

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد
۱۳ اپریل ۲۰۲۵

سرزمین فلسطین در محاصره حکمرانان سرکوبگر

تاریخ برپائی سیاسی اسرائیل همراه با اشغال تدریجی سرزمین فلسطین، همزمان با مقاومت و پایداری مردم این سرزمین در برابر غاصبان و سرکوبگران است. نمی‌توان از بازده دولت اسرائیل صحبت کرد و نوشت و در عین حال درباره کشتار کودکان و مردم بی‌دفاع فلسطین توسط جنایتکاران بی‌توجه و بی‌تفاوت بود. نمی‌توان پیشینه دولت اسرائیل را بررسی کرد و از جنبش بحق و درازمدت توده‌ها، جوانان و کودکان محروم فلسطین غافل ماند.

حدود هشت دهه است که به سرزمین مادری فلسطینیان نفوذ و حمله کرده‌اند و در پی تحمیل جنگ و خونریزی به مردمان محروم این سرزمین هستند. برآستی مفهوم و چرخ زندگی برای توده‌های ستمدیده و کودکان فلسطین از زمان تحمیل اسرائیل دچار تغییر شده و هر روز وضعیت به‌طور فزاینده‌ای دهشتناک‌تر و غیرانسانی‌تر می‌شود. تازه‌ترین نمونه این موضوع و در حقیقت ادامه آن، حملات جنون‌آمیز ارگان‌های سرکوب اسرائیل به غزه در دو سال اخیر است. گوئی زمانه نسبت به دهه شصت و هفتاد تغییر کرده و در نتیجه خشونت و سنگدلی به شکل برجسته‌تری خودنمایی می‌کنند. این رخدادها دقیقاً در کنار گوش دولت‌هائی اتفاق می‌افتد که خود را حامی حقوق بشر و انسانیت معرفی می‌کنند؛ دولت‌هائی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مسؤول و عامل وضعیت کنونی در سرزمین مملو از خشونت و خونریزی فلسطین هستند.

به‌هرحال، پیداست که جان انسان‌ها برای جانیانی مانند نتانیاهو و حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای او، از جمله دولت خودگردان فلسطین و دیگر دار و دسته‌های مسلح و ارتجاعی مانند حماس، بی‌ارزش شده است و روزانه صدها نفر قربانی معاملات سیاسی، مالی و نظامی می‌شوند تا سناریوی نوشته شده رفته‌رفته به‌پیش برود. چون حاکمان دنیا به هیچ توافقی پایبند نیستند و قرار و مدارهای تصویب‌شده فاقد اعتبار به جهت تحقق نیت و آرزوی جانیان بشریت در خصوص کوچاندن اجباری مردم محروم غزه عمل می‌کنند. تخریب خانه‌ها در مناطق و شهرک‌های مختلف، از جمله شهرک «وادی فوکین» در کرانه باختری و کشته و مجروح کردن توده‌های محروم این شهرک، نشان‌دهنده سیاست‌های خشن و اشغالگرانه دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین است. از هزاران نمونه می‌توان گفت و نوشت که تا چه اندازه دولت‌های به‌اصطلاح مدافع بشریت دغل‌کار هستند و علی‌رغم ادعاهای دروغین، در جهت خواسته‌های سیاسی و دیرینه دولت اسرائیل در حمله به مردم و کودکان غزه قرار دارند. اثبات این نظر در حمایت و ارسال ابزار و ادوات نظامی پیشرفته و به‌موازات آن محدودیت و ممنوعیت تظاهرات به نفع جنبش فلسطین در کشورهائی همچون امریکا، انگلستان، فرانسه

و المان علیه دولت نتانیا هو و به‌ویژه دستگیری مدافعان این جنبش در برابر وحشی‌گری و جنایات جنون‌آمیز دولت نتانیا هو است.

براستی، در عمل به اثبات رسانده‌اند که همه شارلاتان و همه مدافع فیلم‌نامه سرمایه‌داران بین‌المللی و دولت‌های غاصب و سرکوبگری همچون دولت نتانیا هو هستند. واقعیت این است که آنچه در طول نزدیک به دو سال بر سر محروم‌ترین و بی‌دفاع‌ترین مردم و کودکان آمده است، جز این نیست که قصد کوچاندن اجباری آن‌ها از سرزمین مادری‌شان است. جز این نیست که نماد انسانیت را نمی‌توان در قامت دولت‌های بین‌المللی و به اصطلاح مدافعان حقوق بشر یافت؛ به عبارت دیگر، هیچ‌گاه مانند امروز نمی‌توان چهره حقیقی دولت‌ها و حامیان ریز و درشت طبقه دجال و منفعت‌طلب را شناخت. تصاویر و کلیپ‌های مخابره شده از تخریب خانه‌ها و به‌ویژه مشاهده بدن‌های خون‌آلود و مجروح کودکان بسیار گویا و در عین حال نشانگر رو شدن بیش از پیش ماهیت دولت‌ها و حامیان دروغین توده‌های محروم غزه است. با نام حماس، خانه‌ها را با خاک یکسان می‌کنند؛ با نام حماس، به بیمارستان‌ها حمله می‌کنند و با نام حماس، دیوانه‌وار بر سر کودکان و مدارس بمب می‌ریزند تا دسته‌ها و گروه‌های خودساخته را نابود کنند! افسوس که چیزی از آن سرزمین نمانده است و افسوس که هیچ نشاط و شادابی در چهره کودکان باقی‌مانده، نمایان نیست. همین چند روز پیش یونیسف اعلام کرده است که: «جان یک‌میلیون کودک غزه در خطر است» و ده‌ها هزار خانواده بدون آب و برق، آواره و بدون کمترین امنیت جانی از شمال به جنوب، شرق و غرب غزه سرگردان هستند.

یقیناً اوضاع غزه بسیار وخیم‌تر و دردناک‌تر از آنچه یونیسف گزارش کرده است، هست. تا جایی که بیمارستان‌ها امن نیستند و تاکنون بسیاری از صدمه‌دیدگان همراه با اعضای کادر پزشکی جان خود را از دست داده‌اند. معلوم است که آمار تخریب خانه‌ها، کشته‌شدگان، مجروحان و آوارگان بسیار بالاتر از آنچه تاکنون گزارش شده است. بیش از نود درصد خانه‌ها مورد توپ و بمباران قرار گرفته‌اند. آب و برق وجود ندارد و در ادامه سخن گفتن از غذای کافی و بهداشت در سرزمین آتش و خون، اضافه‌گویی است. به دلیل این که، هیچ مکانی آرام برای زندگی وجود ندارد و نزدیک به دو سال است که کودکان به همراه والدینشان در تیررس سرکوبگران و جانپان بشریت قرار گرفته‌اند. کودکانی که نزدیک به نیمی از کشته‌شدگان غزه را تشکیل می‌دهند و متأسفانه مابقی زیر فشار روحی ناشی از دست دادن والدین خود به سرنوشت نامعلومی دچار شده‌اند.

واقعیت این است که غزه از همه طرف در محاصره قرار دارد و علی‌رغم پیاوه‌گویی‌های این دولت و آن دولت، این دسته و آن دسته وابسته به سرمایه‌داران بین‌المللی و منطقه‌ای، همچنان تنها مانده است و کسی به فکر زندگی و جان توده‌های ستمدیده و کودکان نیست. اگرچه پرگوئی پیرامون حفاظت از جان مردم و کودکان در محاصره بسیار به گوش می‌رسد، اما اتفاقات و حملات بی‌وقفه آن‌هم زیر پوشش و حمایت قدرت‌مداران بین‌المللی، به‌ویژه دولت «صلح‌طلب» ترمپ حکایت از حقیقتی دیگر دارد. دو سال است که از حملات جنون‌آمیز نتانیا هو با حمایت بی‌دریغ قدرت‌های بین‌المللی مانند آمریکا، انگلستان، المان، فرانسه و دیگر قدرت‌ها و دولت‌های سرکوبگر منطقه‌ای می‌گذرد و ظاهراً پایانی در لت‌وپار کردن مردم بی‌دفاع و کودکان نیست. سؤال این است که چگونه می‌توان از وضعیت فعلی رهایی یافت و فاصله گرفت؟ چرا جامعه مختص و دلخواه طبقات زورگو به چنین روش‌های خشونت‌آمیزی متوسل می‌شود؟ در نهایت، کدام جامعه و کدام مردم لایق زندگی بهتر و پیشرفت هستند؟

به طور قطع جنبش فلسطین، مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی در جهان، تحت تأثیر و تحمیل سیاست‌های امپریالیستی و سرکوب عریان و خشن قرار گرفته است. توطئه و خشونت آشکار به بخش پایه‌ی سیاست‌های حکمرانان جهان تبدیل شده و هیچ حد و مرزی در تخریب زیرساخت‌های جامعه، مردم و کودکان ندارند. آن‌ها در فکر ایجاد نظم و آرایش

سیاسی تازه در سطح جهانی و منطقه خاورمیانه به قیمت تخریب خانه‌های فاقد ستندردهای زندگی و همچنین قتل‌عام سازندگان و آینده‌سازان اصلی جامعه هستند. بارها و بارها چنین هدف مخربی را در اشکال و موقعیت‌های گوناگون آزمایش کرده‌اند تا آنچه مدنظرشان است را به مردم جهان و به‌ویژه به توده‌های ستمدیده و محروم فلسطین تحمیل کنند. دهه‌هاست که پیگیر نقشه‌های شوم خود هستند و به‌موازات آن، دهه‌هاست که کارگران و زحمت‌کشان، زنان، دختران و جوانان، علی‌رغم نقصان‌های اعتراضی و به‌ویژه به دلیل فقدان هدایتگران کمونیستی و سالم، در صف مقدم‌اند و دولت‌های امپریالیستی و رژیم‌های وابسته و خشن منطقه را به نبرد فرا می‌خوانند. ایستادگی و مقاومت مردم غزه در سخت‌ترین شرایط زندگی و محاصره، نمونه‌ای استثنائی از پایداری و مخالفت در برابر تحقق نقشه‌های امپریالیستی و کوچ اجباری است. طبعاً وضعیت کنونی باب طبع کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان امپریالیستی نیست. قدرت‌های بزرگ بین‌المللی همچون امریکا، روسیه، انگلستان، آلمان، فرانسه و دیگر رژیم‌های وابسته و غاصب همچون دولت اسرائیل و دیگر دار و دسته‌های مسلح و ارتجاعی حماس هستند. خواست و آرزوهای مسببان وضعیت کنونی، تسلط بیشتر بر منابع طبیعی جوامع مختلف و همچنین تحمیل ستراتیژی جهان سرمایه‌داری به جناح‌های رقیب است. بی‌تردید، توده‌های ستمدیده خواهان تقسیم ثروت‌های جامعه بین تولیدکنندگان و سازندگان اصلی آن و به علاوه همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر رنگ‌ها و نژادها به‌منظور پیشرفت و بالندگی جامعه انسانی هستند. در نتیجه، طرف‌های درگیر و سازمان‌دهی شده در سرزمین فلسطین از آن مردم نبوده و نیستند. چراکه مردم جنگ مختص به خود و سازمان مرتبط با منافع خود را دارند. سازمانی که حامل برنامه کمونیستی به‌منظور رهائی از زیر ستم امپریالیستی و متکی به قدرت توده‌های ستمدیده برای رهائی بشریت و تضمین زندگی بهتر است؛ در پایان می‌توان گفت که جهان و به‌ویژه منطقه خاورمیانه و سرزمین فلسطین مستحق و شایسته هدایتگرانی مطابق با منافع خود هستند؛ هدایتگرانی که با اتکاء به سازماندهی از پائین، در پی به زیر کشیدن حاکمیت بالائی‌ها و اشغالگران هستند. شک نیست که هیچ جامعه‌ای بدون تئوری کمونیستی و بدون رهبری سالم به ثمر نخواهد رسید و در دست‌اندازهای سیاست‌های امپریالیستی باقی خواهد ماند.

۱۲ اپریل ۲۰۲۵

۲۳ فروردین - حمل - ۱۴۰۴